

بسم الله الرحمن الرحيم

توافق نامه سویدن و پیامدهای آن بالای تراژیدی یمن



(ترجمه)

پرسش

سایت انترنتی فرانس 24 به تاریخ 18 دسمبر 2018م در خبری نوشت: «هنوز لحظاتی از آغاز توافق آتش بس به حمایت سازمان ملل گذشته بود که نیروهای وابسته به حکومت یمن و حوثی ها در شهر حدیده به جان هم افتاده و شروع به تبادل آتش نمودند.» هم چنین سایت انترنتی عربی زبان sputnik به تاریخ 17 دسمبر 2018م نوشت: «یکی از اعضای هیئت مذاکره کننده گروه "انصار الله" در خصوص توافق نامه سویدن گفت: «این توافق نامه شامل تسلیم نمودن بندر حدیده و یا خروج حوثی ها از شهر حدیده نمی شود.» سپس معمر اریانی وزیر اطلاعات یمن در واکنش به اظهارات فوق گفت: «این اظهارات به مثابه انقلاب علیه خود توافق نامه ای به شمار می رود که جوهر امضای آن هنوز خشک نشده.» وی تأکید نمود که: «متن توافق نامه شامل خروج شبه نظامیان حوثی از شهر حدیده و بندرهای آن (حدیده، صلیف و رأس عیسی) می باشد.»

پرسش این است: چرا با وجود آن که هنوز جوهر امضای این توافق نامه خشک نشده، چنین اختلافاتی در آن بروز نموده؟ و چه چیزی باعث شده لحظاتی پس از امضای آن دو طرف به جان هم افتاده و زد و خورد نمایند و در عین حال؛ ام ریکا و انگلیس از آن استقبال نمایند؟ و سرانجام این که آیا ممکن است این توافق نامه به تراژیدی موجود در یمن پایان دهد؟

پاسخ

پیش از پرداختن به موضوع توافق نامه سویدن، که گفتگوهای آن به تاریخ 6 دسامبر 2018 آغاز و با دست دادن نمایندگان دو طرف به تاریخ 13 دسامبر 2018م پایان یافت، باید اوضاع جاری در یمن را به گونه زیر خلاصه نماییم:

اول) پس از آن که حوثی‌ها بالای صنعا تسلط پیدا کردند و حکومت‌های منصور را عملاً از پایتخت بیرون رانده و بیشتر خاک یمن را به تصرف خود در آوردند، نیاز شدیدشان این بود که حاکمیت خویش را رنگ "قانونی" ببخشند. امریکا سعی داشت این رنگ قانونی را به آنان بدهد، اما این کاری آسانی نبود، زیرا اکثریت طبقه سیاسی یمن وابسته به انگلیس بودند. بنابر این، بزرگترین خواست امریکا این بود که حوثی‌ها به عنوان بخش فعالی در نقشه سیاسی یمن پذیرفته شوند. حوثی‌ها بخش کوچکی از مردم یمن را تشکیل می‌دهند که در شمال این سرزمین، مخصوصاً در منطقه صعدة سکونت دارند و مورد قبول عام مردم نیستند و به همین دلیل است که امریکا تلاش نمود حوثی‌ها را حمایت نماید تا به صفت عنصر فعال در یمن عرض اندام نمایند؛ طوری که هیچ فیصله‌ای بدون حضور آنان صادر نگردد. امریکا این کار را از چند زاویه به کار گرفت:

1. سعودی را وظیفه داد عملیات هوایی موسوم به "طوفان قاطع" را به راه اندازد، نه هدف از بین بردن حوثی‌ها که به هدف برجسته نمودن آنان به صفت مدافعین واقعی یمن در برابر جت‌های جنگی بیگانه‌گان و مظلوم‌نمائی و در عین حال به صفت قهرمانان تا به این ترتیب از پذیرش مردمی برخوردار گردند.

2. هادی منصور رئیس جمهور وابسته به انگلیس را به سان یک اسیر در عربستان سعودی نگهداشت تا در صورت لزوم، اعمال فشار علیه وی آسان تر باشد.

3. سعی نمود با استفاده از نفوذش در شورای امنیت، در انتخاب نماینده جهانی برای یمن تأثیر گذار باشد و عملاً در این کار موفق نیز شد، چنانچه جمال بن عمر و ولد الشیخ، که از طرفداران امریکا بودند، به صفت نماینده جهانی برای یمن انتخاب شدند.

اما انگلیس، که ده‌ها سال می‌شود نفوذ اصلی و واقعی یمن را در دست دارد، می‌داند که جریان‌های نظامی (حراک) در جنوب و حوثی‌ها در شمال در حقیقت ابزارهای امریکاست که قصد دارد با استفاده از آن نفوذ خویش را در یمن گسترش دهد. با ورود حوثی‌ها به صنعا و سایر شهرهای یمن و به دست آوردن کمک‌های گسترده نظامی از طرف ایران، انگلیس به این نتیجه رسید که نفوذش در یمن در حال متزلزل شدن است، به ویژه پس از نقشی که عربستان سعودی در یمن در دست گرفت؛ بنابر این، انگلیس تصمیم گرفت تا در واکنش به نقشه‌های امریکا و ابزارهای آن دست به یک سلسله اقدامات بزند:

الف) برجسته نمودن نقش امارات در موازات نقش سعودی، چنانچه امارات عملاً در پس گرفتن شهر عدن و سایر مناطق جنوب از حوثی‌ها نقش تعیین کننده‌ای داشت و همین نقش امارات بود که تحرکات جدیدی را در جنوب یمن به وجود آورد و به این ترتیب نقش مزدوران امریکا را در جنوب تبدیل به نقش ثانوی نمود و به این ترتیب امنیت جنوب را تأمین نمود.

ب) علی صالح، که مزدور دیرین انگلیس بود، در کنار حوثی‌ها وارد شمال نمود و رفته رفته تبدیل همکار و هم‌قطار آنان شد تا به این ترتیب در صورت دستیابی حوثی‌ها به قدرت، انگلیس در میان آنان نفوذ داشته باشد. نزدیک بود علی صالح در این مسئولیت‌اش موفق شود، اما حوثی‌ها او را ترور نمودند.

ج) برای ارسال نماینده جهانی وابسته به خود نیز سعی و تلاش نمود تا این که در این هدف موفق شد و مارتین گریفیس به عنوان نماینده جدید سازمان ملل در یمن برگزیده شد.

دوم) انگلیس می‌دانست که آن چه حوثی‌ها را استوار نگه می‌دارد، کمک‌های ایران است. پس از مسدود شدن میدان هوایی صنعاء و تسلط دولت بالای بنادر آبی جنوب، تقریباً یگانه شریانی بود که ایران با استفاده از آن به حوثی‌ها کمک‌رسانی می‌نمود. به همین دلیل بود که امارات برای تسلط بالای حدیده، جدیت بیشتری از خود نشان داد. امریکا رویکردها و جنگ‌های حدیده را به پیمان‌های گسترده و به بهانه پامال شدن حقوق بشر مورد انتقاد قرار می‌داد و ادعا می‌کرد که بندر حدیده یگانه راه کمک‌رسانی برای میلیون‌ها یمنی است؛ انگار امریکا واقعاً به حقوق بشر اهمیت می‌دهد؛ حقوق بشری که خود و مزدوران‌اش آن را در سوریه زیر گام‌های سازمان ملل و با محاصره نمودن شهرها و پرتاب بمب‌های بیلری، خرد و خمیر نمودند. هدف اصلی امریکا این بود که بندر حدیده برای کمک‌رسانی نظامی ایران باز باشد؛ کمک‌هایی که بیشتر از یک سال می‌شود؛ به شمول موشک‌های بالستیک، که به حوثی‌ها رسیده و آنان این موشک‌ها را بالای سعودی پرتاب می‌کنند و هم‌چنین طیاره‌هایی که به اهدافی در دولت امارات ارسال می‌گردد. عربستان سعودی در واکنش اقدام به ارسال طیاره‌هایی به گونه مانور می‌نمود، بدون این که عملاً حوثی‌ها را هدف گیرد. به گونه مثال: نیروهای حوثی شهر تعز را به گونه‌ای محاصره نمودند که موقعیت تمام نیروهای نظامی آنان برای دستگاه‌های مراقبت هوایی کاملاً آشکار بود و به ساده‌گی می‌توانستند پایگاه‌های آنان را هدف قرار داده و محاصره را در هم شکنند؛ اما با آن هم، محاصره هنوز ادامه دارد. امارات عملاً با حوثی‌ها در جنگ بود، در حدی که اگر فشارهای امریکا از طریق عربستان سعودی نمی‌بود و نزدیک بود که حوثی‌ها را از حدیده بیرون راند.

به این ترتیب بود که نقشه‌های امریکا و ابزارهای آن با نقشه‌های انگلیس و ابزارهای آن جور نمی‌آمد، زیرا امریکا پس از تسلط حوثی‌ها بالای بخش‌هایی از یمن در پی حل و فصل سیاسی بحران بود؛ اما انگلیس منتظر بود حوثی‌ها شکست‌های بیشتری را متحمل شوند و پیش از رفتن به سوی حل و فصل سیاسی، حاضر به عقب‌نشینی و برگشتن به صعدده شوند. به همین دلیل است که تمام گفتگوهای قبلی چیزی فراتر از یک سلسله بازی‌های سیاسی برای وقت‌کشی نبود؛ چنان‌چه تمام آن مراحل گفتگوها مانند گفتگوهای کویت و گفتگوهای ژینو در اوایل سپتامبر گذشته یکی پس از دیگری شکست خورده و هیچ دست‌آوردی نداشت؛ چنان‌چه هیئت حوثی‌ها نرسید و سایر دلایل....

به این ترتیب، گفتگوها ناکام ماند و حوثی‌ها در برابر خطرهای بزرگی مانند نزدیک شدن تسلط نیروهای وابسته به امارات بالای حدیده و بندر آن قرار گرفتند؛ زیرا این نیروها به اطراف آن رسیده بودند. در این جریان بود که نقش برجسته را دولت امارات در اختیار داشت؛ زیرا ملیشه‌های داخلی را برای جنگ‌های حدیده بسیج نموده بود و عربستان سعودی در وضعیت بغرنجی قرار گرفته بود؛ طوری که نمی‌توانست موقف امارات را رد نماید؛ زیرا امارات خود یکی از هم‌پیمانان ظاهری سعودی در جنگ یمن علیه یک

هدف اعلان شده بود که حوثی‌ها باشند. از آن جایی که آمریکا با حمله به حدیده مخالفت می‌نمود، امارات به دستور انگلیس زمانی را برای این حمله انتخاب نمودند که آمریکا سرگرم قضیه مهم‌تری بود؛ چنان‌چه جنگ‌های حدیده به تاریخ 8 و 9 جون 2018م شدت گرفت و این زمانی بود که آمریکا سرگرم آمادگی برای دیدار ترامپ و رهبر کوریای شمالی بود که به تاریخ 12 جون 2018م در سنگاپور برگزار گردید.

انگلیس دقیقاً زمانی را برای این جنگ‌ها برگزید که آمریکا تقریباً توان متوقف نمودن آن را نداشت و چنین هم شد. چنان‌چه شورای امنیت نتوانست جنگ‌های حدیده را متوقف نماید. «شورای امنیت جهانی روز گذشته نتوانست آرای کافی برای به تأخیر انداختن حمله ائتلاف عربی به رهبری سعودی و امارات را بالای شهر حدیده به دست آورد.» (منبع: الجزیره نت 15 جون 2018م) به این ترتیب، جنگ‌های حدیده و احتمال تسلط امارات و ملیشه‌های وابسته به آن بالای بندر حدیده بزرگترین خطری به شمار می‌رود که حاکمیت حوثی‌ها را در یمن تهدید می‌کند و به همین دلیل است که حوثی‌ها تمام نیروهای خویش را برای جلوگیری از برآورده شدن چنین هدفی به کار گرفتند و آمریکا تمام مسئولین خویش را برای برجسته نمودن اوضاع انسانی در یمن به کار گرفته و پیوسته فریاد می‌زنند که بندر حدیده یگانه شریانی به شمار می‌رود که از قحطی در یمن جلوگیری می‌کند.

امارات و هم‌پیمانان داخلی آن از فرصت‌های جهانی برای انجام دادن حملات بیشتر و پیشرفت‌های میدانی بیشتر در جهت اعمال فشار بالای شهر حدیده و بندر آن استفاده می‌نمودند؛ چیزی که بعضاً حاصل گردید و کامل شدن این روند خطر بزرگی تلقی می‌گردید که حوثی‌ها و در پی آن نفوذ احتمالی آمریکا در یمن را احاطه نموده بود. در جریان چند ماه گذشته، جنگ‌های پراکنده در ماحول حدیده، یکی از پرخطرترین جنگ‌های یمن به شمار می‌رفت، به ویژه که آمریکا توان شکستن ائتلاف سعودی و امارات را در یمن نداشت و در عین حال، نمی‌توانست جنگ را یک جانبه از طرف سعودی متوقف نماید؛ زیرا این کار باعث متضرر شدن نقش رهبری دولت‌های کوچک خلیج توسط سعودی می‌شد. این اوضاع هم‌چنان ادامه داشت تا این که قضیه ترور وحشیانه جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار سعودی در اوایل تشرین اول 2018م بالا گرفت و موقف سعودی را به شدت متزلزل نمود.

سوم) باترور خاشقجی، روزنامه‌نگار سعودی در استانبول، شرایط جدیدی در ماحول سعودی پدید آمد که به آمریکا امکان داد از آن به نفع خود بهره‌برداری نماید:

1. دستگاه امنیتی سعودی در قونسولگری این دولت در استانبول دست به عمل وحشیانه‌ای زد که واکنش‌های جهانی علیه سعودی را در پی داشت؛ واکنش‌هایی که ضمناً و بعضاً علناً خواستار محاکمه محمد بن سلمان ولیعهد این حکومت شد؛ زیرا وی در اجرای این اقدام قبیح و مخالف با تمام ارزش‌های انسانی مسئول دانسته می‌شود.

هرچند حکومت سعودی و سایر حکومت‌های جنایتکار در سرزمین‌های اسلامی معمولاً جنایت‌هایی را مرتکب می‌شوند که به مراتب از ترور این خبرنگار سعودی وحشیانه‌تر است، اما این مورد احساسات ظاهری را در حدی جریحه‌دار نمود که سایر دولت‌ها و ادار به تقبیح شدید آن شدند. دولت‌های اروپائی خواستند با استفاده از این جنایت، بن سلمان را که مزدور امریکا است، تضعیف و یا حتی در صورت امکان وی را از قدرت برکنار نمایند؛ اما آمریکا برای سرپوش گذاشتن به این اقدام بن سلمان به گونه جهانی زود دست

به کار شد و از طریق توییت‌های ترامپ سعی نمود، به اظهارات ولیعهد سعودی اعتبار بخشیده و تهمت را از وی دور کند. ترامپ با صراحت می‌گفت که او هرگز توافقات فروش سلاح به سعودی بیرون نخواهد شد؛ زیرا این توافقات در کاستن از میزان بیکاری در امریکا تأثیر زیادی دارد و این موقف وی باعث شد اعضای کانگرس امریکا بالای اداره حکومت ترامپ فشار آورند و آن را متهم کنند که قصد دارد "ارزش‌های امریکا" را در بدل پول سعودی می‌فروشد.

در ادامه؛ مجلس سنای امریکا بیانیه‌ای را منتشر نموده و در آن موقف دفاعی ترامپ را از محمد بن سلمان به گونه تمسخرآمیز تقبیح نمود: «اعضای مجلس سنای امریکا روز پنج‌شنبه به بیانیه‌ای رأی مثبت دادند که می‌توان گفت، نوعی سرزنش تاریخی و بی‌سابقه‌ای برای دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا به شمار می‌رود. در این بیانیه، پایان دادن به کمک‌های نظامی امریکا برای جنگ در یمن تأیید و محمد بن سلمان ولیعهد، سعودی را مسئول قتل جمال خاشقجی شناخته شده است. اعضای مجلس سنای امریکا در یک اقدام تاریخی و با اکثریت 56 رأی مثبت در برابر 41 رأی منفی به پایان دادن کمک‌های نظامی امریکا به ائتلاف جنگ یمن به رهبری سعودی رأی مثبت دادند.» (منبع: رویترز 14 دسامبر 2018م)

2. اظهار نظرها و موقف‌گیری‌های اعضای کانگرس در خصوص نیاز به متوقف نمودن تعامل با ولیعهد سعودی "مزدور مخلص امریکا" بالا گرفت و برخی‌ها خواهان توقف صدور سلاح به سعودی شدند؛ چیزی که ترامپ به دلیل تأثیر آن در اشتغال‌زایی در امریکا بدان فخرفرشی می‌کند. اینجا بود که اداره حکومت ترامپ به سرعت برای منحرف نمودن افکارعامه از تمرکز روی قضیه خاشقجی و متهم نمودن سعودی در آن دست به کار شد و تمام تلاش خود را برای سوق دادن افکارعامه به جانب قضیه مهم دیگری به کار گرفت تا با استفاده از آن، سعودی را همکار در حقوق بشر و صلح و ثبات و همکاری با سازمان ملل جلوه دهد. بن سلمان در جریان گفتگوهای سوئد به صفت همکار برجسته گردید: «قرار است آنتونیو گوتیرز سرمنشی سازمان ملل در گفتگوهای پایانی در سوئد به هدف حمایت از تلاش‌های نماینده صلح این سازمان در یمن حاضر شود و روند سیاسی برای پایان دادن به جنگ طولانی این کشور را که از چهارسال قبل آغاز گردیده آغاز نماید. آژانس رسمی خبری سعودی اعلان نمود که گوتیرز جهت بررسی تحولات اخیر اوضاع یمن و تلاش‌های مربوط آن با امیرمحمد بن سلمان ولیعهد سعودی تماس تلفونی برگزار نمود.» (منبع: رویترز 12 دسامبر 2018م)

آنتونیو گوتیرز سرمنشی سازمان ملل روی سهم دادن بن سلمان در این قضیه تمرکز نمود: «سرمنشی سازمان ملل در یک کنفرانس خبری که از تلویزیون "العربیه" منتشر گردید، پرده از نقشی که ولیعهد سعودی در دست‌رسی به توافق‌نامه تاریخی یمن میان گروه انصار الله و حکومت یمن بازی نموده، برداشت. فرحان حق معاون سخنگوی رسمی سازمان ملل نیز در مقر این سازمان در نیویارک خطاب به روزنامه‌نگاران گفت که گوتیرز احساس می‌کند سهم دادن ولیعهد سعودی برای دستیابی به مشاوره‌ها از اهمیت زیادی برخوردار بود.» (منبع: Sputnik 13 دسامبر 2018م) به این ترتیب، امریکا نقش بن سلمان را به گونه قابل توجهی برجسته نمود؛ در حدی که گریفیت را وادار نمود از نقش وی توصیف نماید: «گریفیت در اظهاراتی در یک میزگرد تلویزیونی از اردن گفت که طرف‌های مذاکره‌کننده یمن در دست‌رسی به توافق موفق شده اند. وی افزود: «من از ولیعهد سعودی عالی جناب شاهزاده امیرمحمد بن سلمان به خاطر تأکیدش در سهم‌گیری حیاتی و شخصی‌اش در این روند سپاس‌گذاری می‌کنم.» (منبع: سایت وطن نیوز 14 دسامبر 2018م) از تمام موارد فوق چنین بر می‌آید که امریکا در دستیابی به توافق‌نامه یمن به سه دلیل زیر اهمیت داده است:

اول: بهبود نمودن چهره‌ خدشه‌دار سعودی. دوم: دور کردن مزاحمت‌های بین‌المللی از سعودی و سرپوش گذاشتن به قضیه‌ روزنامه‌نگار سعودی. سوم: استفاده مالی بیشتر از سعودی، که این مورد اخیر مهم‌ترین مورد نزد ترامپ به حساب می‌رود. مطمئناً امریکا هیچ علاقه‌مندی شخصی به بهبود چهره‌ سعودی و زدودن مزاحمت‌ها از گندکاری دو مزدورش، محمد بن سلمان و پدرش ندارد؛ بلکه هدف از این اقدام و چنین موقف‌گیری با بن سلمان و پدرش اینست که طوری وانمود کند که این امریکاست که آنان را از این پرتگاه نجات داده و سپس از این موقف برای جلب منافع بیشتر از سرمایه‌های نفتی سعودی به عنوان بهای دور نمودن مزاحمت‌های بین‌المللی از آنان استفاده خواهد نمود و این سیاستی است که از مفکوره‌ تجارتنی "تحریک‌آمیز" ترامپ مبنی بر "بپرداز" سرچشمه می‌گیرد.

3. اظهارات مسئولین امریکا و هم‌چنین قوت ساختار منسجم این اظهارات خود بیانگر توجه و اهتمام امریکا به دستیابی به این توافق‌نامه می‌باشد، که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ایالات متحده امریکا خواستار برگزاری آتش‌بس در جریان 30 روز در یمن شده و تأکید نموده که ائتلاف عربی به رهبری سعودی بمباردمان مناطق مسکونی شهروندان یمن را باید متوقف کند. جیمز ماتیز سخنگوی وزارت دفاع امریکا از طرف‌های جنگ یمن خواسته در جریان 30 روز به آتش‌بس دست یافته و برای پایان دادن جنگ در کشورشان وارد مذاکرات جدی شوند. ماتیز که در همایشی در انستیتوی صلح امریکا در واشنگتن صحبت می‌نمود، گفت: «برای دسترسی به راه‌حل طولانی مدت، باید آتش‌بس برگزار گردد، از مرزها فاصله گرفته شود، حملات هوایی متوقف گردد و تمام طرف‌های درگیر در جریان 30 روز گرد میز مذاکره جمع گردند.» وی تأکید نمود: «تمام طرف‌های درگیر یمن موظف اند در جهت تلاش‌های صلح حرکت نمایند.» وی افزود: «برای عملی شدن این کار ما به 30 روز آینده نیاز داریم و من باور دارم که سعودی و امارات آماده‌گی این کار را دارند.» (منبع: خلیج آنلاین 31 اکتوبر 2018م)

- امریکا آنتونیو گوتیرز، سرمنشی سازمان ملل را برای حضور در مذاکرات سوئد و اعمال فشار بالای نماینده‌گان مذاکره‌کننده و ضمانت دستیابی به توافق‌نامه و یا آغاز توافق‌نامه به سوئد فرستاد تا اوضاع را گریفت، نماینده‌ جهانی وابسته به انگلیس در دست نگیرد. «فرار است آنتونیو گوتیرز سرمنشی سازمان ملل متحد در گفتگوهای پایانی سوئد حضور یافته و تلاش‌های نماینده صلح این سازمان در یمن در جهت آغاز روند سیاسی برای پایان دادن به جنگ یمن را که از چهار سال بدین سو ادامه دارد، حمایت نماید.» (منبع: رویترز 12 دسامبر 2018م)

- سعودی بالای‌هادی، رئیس‌جمهور یمن فشار آورد تا توافق‌نامه پیشنهادی را بپذیرد: «برخی منابع به الجزیره گفتند که سعودی بالای‌عبدربه منصورهادی فشار آورده تا هیئتی را به نمایندگی از حکومت یمن برای مشارکت در گفتگوهای مشورتی سوئد به منظور دستیابی به توافقی برای آتش‌بس در شهر حدیده و بندر آن نماید. این منابع هم‌چنین گفته اند که هیئت حکومت‌نامه‌ای به‌هادی، "که در ریاض اقامت دارد"، فرستاده و در آن توصیه نموده اند که توافق‌نامه به دلیل این که در آن به صراحت از خروج حوثی‌ها از شهر حدیده و بندر آن اشاره نگردیده، نباید امضاء شود؛ اما رئیس‌جمهور یمن پس از اعمال فشارها از جانب سعودی در جریان چند ساعت گذشته، دستور داده که آن را امضاء نمایند.» (منبع: الجزیره 13 دسامبر 2018م)

- تعیین سریع یک جنرال بین‌المللی برای مراقبت از آتش‌بس در حدیده: «سازمان ملل متحد یک جنرال هالندی را برای ریاست نماینده‌گان جهانی جهت مراقبت از آتش‌بس میان طرف‌های درگیر یمن برگزید. مارتین گریفیت نماینده سازمان ملل به یمن در اظهاراتی گفت که این جنرال بازنشسته هالندی که باتریک کامیرت نام دارد، موافقت نموده که هیئت مراقبت آتش‌بس از جانب سازمان ملل در یمن را رهبری خواهد نمود. وی افزود که ممکن است کامیرت در جریان چند روز آینده وارد منطقه شود.» (منبع: اخبار یمن 14 دسامبر 2018م) سایت یمنی "رأی" به تاریخ 20 دسامبر 2018م با نشر خبری نوشت: «استیفان دوجاریک سخنگوی سازمان ملل گفته که باتریک جنرال بازنشسته هالندی که ریاست هیئت را دارد، فردا پنجشنبه وارد اردن و از آنجا به صنعاء و سپس به حدیده سفر خواهد نمود.»

- استقبال علنی آمریکا از این توافق‌نامه؛ چنانچه پامپئو وزیر خارجه آمریکا از این توافق‌نامه استقبال نموده و گفته که اینک تأمین صلح در یمن ممکن شده است. (منبع: بی بی سی 14 دسامبر 2018م) وی در سخنانی گفت: «این گفتگوها میان حکومت یمن و حوثی‌ها بیانگر نخستین گام‌های قاطعی است که دو طرف برداشته‌اند. تأمین صلح ممکن است، تمام طرف‌ها اینک فرصت دارند در بنای این روند و بهبود زندگی تمام مردم یمن سهیم شوند. همه موظف‌اند برای تداوم این روند، در آن به گونه مستمر مشارکت نموده و از میزان تنش‌ها بکاهند و دست از اقدامات خصمانه جاری بردارند. (منبع: المشهد یمن 14 دسامبر 2018م)

- تماس قابل ملاحظه سفیر آمریکا با حوثی‌ها: «متیو تولر سفیر آمریکا در یمن در جریان کنفرانس و مذاکراتی که در استاکهولم در اظهاراتی گفت: «یک گردهمایی رسمی را با حضور نماینده‌گان به شمول یک عضو از هیئت حوثی برگزار نمودیم. من به طریقه خاص خودم با شماری از افراد تیم حوثی‌ها در یک منطقه ای زیبایی دیدار نمودم که راستی یک دیدار زیبا بود.» او تأیید نمود که دیداراش یک دیدار مستقیم و رسمی بوده، چنانچه گفت: «هر دیداری را که من داشته باشم، رسمی به شمار می‌رود، زیرا من در جریان 24 ساعت سفیر آمریکا در یمن می‌باشم.» (منبع: روزنامه خاورمیانه سعودی 13 دسامبر 2018م)

چهارم) گرچه توافق‌نامه سوئیدن با اعمال فشارهای آمریکا و چنان‌که قبلاً اشاره شد، استقبال آمریکا از آن صورت گرفت، اما انگلیس نیز از آن استقبال نمود و دلیل استقبال انگلیس این بود که آمریکا با بلند نمودن شعارهای بشردوستانه و جلوگیری از قحطی، بیماری‌های کودکان، کشته و زخمی شدن مردم بی‌دفاع یمن، افکارعامه را در جهت این توافق بسیج نمود؛ انگار این مشکلات و مصیبت‌ها امروز دامن یمن را گرفته؛ به این ترتیب، فضایی را که آمریکا برای دستیابی به این توافق‌نامه به وجود آورد، انگلیس را در موقعیتی قرار داد که چاره‌ای جز استقبال از آن را نداشت؛ اما این استقبال به طریقه خاص خود انگلیس صورت گرفت؛ طوری که سوار موج شده و سپس سعی می‌کند مسیر آن را تغییر دهد و یا حد اقل از سرعت آن بکاهد؛ چنان‌چه از توافق‌نامه استقبال نمود. «وزارت خارجه انگلیس امروز سه‌شنبه از آتش‌بس در یمن استقبال نمود. جیرمی هنت وزیر خارجه انگلیس در یک توییتی در صفحه تویتر وزارت خارجه انگلیس، از تلاش‌های مارتین نماینده خاص سازمان ملل در یمن تعریف و تمجید نمود.» (منبع: یمن نت 18 دسامبر 2018م) در عین حال به بهانه چگونگی عملی شدن این توافق‌نامه، راهکاری را تسلیم شورای امنیت نموده و از آن خواست این راهکار را بررسی نماید:

- «انگلیس سعی دارد فیصله جهانی دیگری را از آدرس شورای امنیت صادر نماید؛ چنانچه راه چنین فیصله‌ای را برای مناقشه به شورای امنیت تسلیم نمود. کارین بایرس نماینده انگلیس در سازمان ملل در اظهاراتی گفت: «کشور شاهی انگلیس به صفت مسئول دوسیه یمن در شورای امنیت به زودی برای تأیید این توافق‌نامه‌ای به دست‌آمده توسط تمام طرف‌های درگیر در یمن با تمام همکاران در خصوص تصمیم شورای امنیت از سر خواهد گرفت و در آن چگونگی حمایت از اجرایی شدن آن و زمینه‌سازی برای مراقبت سازمان ملل از آن و همچنین گام‌های مهم بعدی بررسی خواهد نمود.» (منبع: صفحه انترنتی جوانان یمن به نقل از سایت حکومت انگلیس 14 دسامبر 2018م)

- شماری از دیپلمات‌ها روز سه شنبه در اظهارتی گفتند: «شورای امنیت جهانی در حال بررسی راهکار پیشنهادی انگلیس می‌باشد و از انتونیو جوتیریش سرمنشی سازمان ملل خواسته پیشنهادهایی را در اواخر ماه جاری در خصوص چگونگی مراقبت از روند آتش‌بس در حدیده مطرح نماید. انگلیس راهکار چگونگی حمایت از توافق‌نامه را بالای اعضای شورای امنیت توزیع نمود، اما واضح نکرد که رأی‌گیری در مورد آن چه زمانی صورت خواهد گرفت. این راهکار برای اجرایی شدن به 9 رأی مثبت و عدم استفاده حق "ویتو" توسط امریکا، فرانسه، انگلیس، چین و یا روسیه دارد.» (منبع: تلویزیون خبری العین 18 دسامبر 2018م)

بدون شک هدف انگلیس از پیش نمودن این راهکار این است که به بهانه چانه‌زنی بر سر چگونگی مراقبت از اجرایی شدن توافق‌نامه و خروج حوثی‌ها، راهی به سوی مناقشه در مورد آن باز نموده و زمان آن را طولانی نماید. پس دیده می‌شود که شمار کشته شده‌گان مردم یمن و میزان ویرانی‌ها در این سرزمین هیچ اهمیتی برای طرف‌های درگیر ندارد؛ بلکه یگانه چیزی که برای آنان مهم است، منافع خودشان است و بس. بنابراین، می‌توان گفت که:

امریکا و طرف‌داران آن در منطقه، به ویژه سعودی، مصمم اند جنگ یمن را در حال حاضر پایان داده و به جانب مذاکرات روی آورند؛ مذاکراتی که منجر به سهم‌گیری حوثی‌ها در بخش مهمی از حاکمیت یمن شود؛ حوثی‌هایی که وابسته به ایران و از طریق آن وابسته به امریکا هستند، چنانچه مذاکرات سویدن این مصمم بودن را به خوبی روشن نمود. اما این رویکرد امریکا بدین معنی نیست که امریکا توان برآوردن آن را زیر سایه نفوذ گسترده انگلیس در یمن دارد. چنانچه انگلیس وزیر خارجه‌اش را برای مشارکت در مذاکرات سویدن به تاریخ 13 دسامبر 2018م عازم سویدن نمود تا با نماینده بین‌المللی‌اش؛ یعنی کیفیت در برابر رئیس‌اش؛ یعنی گوتیریش- که سرمنشی سازمان ملل می‌باشد- کمک نماید. به همین دلیل بود که توافق‌نامه به آتش‌بس در حدیده خلاصه شد و سایر دوسیه‌ها مخصوصاً بحث میدان هوایی صنعا به دیدارهای بعدی موکول گردید. هم‌چنین موقف‌گیری نماینده‌گان حکومت پیوسته در خصوص اجرایی شدن بندهای توافق‌نامه ابراز شک و تردید می‌نمودند، که بیانگر این است که این بندها زیر فشارهای سعودی و سرمنشی سازمان ملل و با حمایت امریکا صورت گرفته:

«یمانی در جریان کنفرانس مطبوعاتی که در پایان مذاکرات در شهر ریمبوی سویدن برگزار نموده بود، گفت که حکومت یمن قبلاً 75 توافق‌نامه را با حوثی‌ها امضاء نموده؛ اما آنان به هیچ کدام پایبند نبوده‌اند. وی حوثی‌ها را متهم نمود که نپذیرفته‌اند محاصره شهر تعز را متوقف کنند و در مورد دوسیه میدان هوایی صنعا، یمانی گفت که حکومت آماده بود این میدان را برای سفرهای بین‌المللی از طریق میدان هوایی عدن بازنگهدارد، اما حوثی‌ها این پیشنهاد را نپذیرفتند. وی تأکید نمود که: «کار پایان دادن به

انقلاب از حدیده آغاز می‌شود.» او گفت که سازمان ملل متحد و جامعه جهانی مسئولیت دارند حوثی‌ها را وادار کنند توافق‌نامه به دست آمده در مورد حدیده و تبادل اسیران را عملی و بدان پایبند بمانند. یمانی در پیوند به اظهارات آنتونیو گوتیریش سرمنشی سازمان ملل در ارتباط به برنامه‌هایی به منظور راه‌اندازی مرحله جدید مذاکرات گفت: «تا زمانی که توافقات به دست آمده عملی نگردد، مناسب نیست در مورد مرحله جدید گفتگوها فکر شود.» (منبع: روسیه امروز 13 دسامبر 2018م) این موارد راه را به جانب فرار از این توافق‌نامه در جریان اجرای آن باز نموده و برای تأخیر در راه‌اندازی دور دیگر گفتگو زمینه‌سازی می‌کند.

باتوجه به گفته‌های فوق؛ عملی شدن توافق‌نامه حدیده دشوار به نظر می‌رسد، چنانچه درگیری‌هایی که در روزهای 14، 15 و 16 دسامبر 2018م، یعنی اندکی پس از اعلان توافق‌نامه سویدن در حومه حدیده رخ داد، به خوبی بیانگر این ادعاست؛ درگیری‌هایی که سازمان ملل را وادار نمود آن را توجیه نماید: «یک منبع سازمان ملل گفت: «در توافق‌نامه حدیده گفته شده که درگیری‌ها باید فوراً متوقف گردد، اما طبیعی است که رسیدن اوامر آتش‌بس به میدان جنگ 48 تا 72 ساعت را در برخواهد گرفت. امیدوار استیم آتش‌بس از روز سه شنبه عملاً آغاز گردد.» (منبع: رویترز 16 دسامبر 2018م)

به این ترتیب انتظار می‌رود اوضاع هم‌چنان در کش و گیر باقی بماند. امریکا قصد دارد نمایش نظامی، مخصوصاً در حدیده و بندرهای آن را متوقف نموده و به راه‌حل‌های سیاسی با حفظ فضای شنیدن صدای حوثی‌ها، چنانچه در حدیده روی آورد. اما انگلیس در پی زمینه‌سازی برای تداوم جنگ است تا حوثی‌ها را تا حد ممکن تضعیف نماید و نگذارد پیش از روی آوردن به راه‌حل سیاسی، جای پایی برای خود در حدیده پیدا کنند.

پنجم) در مورد پرسش اخیر " آیا ممکن است این توافق‌نامه به تراژیدی موجود در یمن پایان دهد؟" باید گفت: شکی نیست که این توافق‌نامه نمی‌تواند به بحران یمن پایان دهد؛ زیرا منافع امریکا و انگلیس و ابزارهای آنان در منطقه، که این توافق‌نامه را امضاء کرده اند، در تناقض قرار دارد. بزرگترین دست‌آورد این توافق‌نامه این خواهد بود که اوضاع برای مدتی آرام خواهد شد، درست مانند این که یک جنگجو برای لحظاتی استراحت می‌کند؛ سپس مجدداً اوضاع متشنج و طاقت‌فرسا خواهد شد. اما ممکن است، بر اساس مفکوره حل وسط برخاسته از نظام سرمایه‌داری، دو طرف به توافق برسند تا به گونه مشترک و بر اساس معیارهای دو قدرت در دو جانب در حکومت شریک شوند؛ لیکن طبیعی است که چنین توافقی نیز نمی‌تواند به این بحران نقطه پایان گذارد. بنابر این، اوضاع یمن هم‌چنان ناپایدار باقی خواهد ماند؛ مدتی آرام و مدتی ناآرام خواهد بود و این بسته‌گی به میزان قدرت سیاسی و نظامی هریک از دو طرف درگیر دارد.

آنچه بحران یمن را پایان خواهد داد، چنان‌که در منشورات قبلی نیز گفتیم، یکی از دو مسئله خواهد بود:

اول) این که امریکا و یا انگلیس موفق شود امور یمن را به نفع خود یک طرفه کند و نفوذ و اوضاع یمن را کاملاً در دست گیرد، اما این امر چنان‌که در فوق به تفصیل بیان گردید، بسیار بعید به نظر می‌رسد.

دوم) این که الله سبحانه و تعالی لطف نموده و چشم امت اسلامی را با آمدن خلافت روشن نماید، که این مورد به خواست الله سبحانه و تعالی نزدیک‌تر به نظر می‌رسد و خلافت نفوذ کفار استعمارگر را با خاک یک‌سان نموده و ریشه‌های آنان را از این سرزمین

برکنده و به شرارت آنان در میان بنده‌گان الله پایان دهد و به این ترتیب، کفر و پیروان آن با ذلیلانه میدان را ترک نمایند و اسلام و پیروان آن با افتخار و عزت جای آنان را بگیرند و آنگاه است که چشم مؤمنین به نصرت الله سبحانه و تعالی روشن خواهد گردید.

﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾

[روم: 4]

ترجمه: و در آن روز است که مؤمنان از یاری الله (سبحانه و تعالی) شاد می‌گردند؛ هر که را بخواهد یاری می‌کند و اوست شکست ناپذیر مهربان.

شایسته مردم یمن، که اهل ایمان و حکمت اند، این است که خلافت را برپا نمایند و از طریق آن پیروزی دنیا و آخرت را به دست آورند و می‌دانیم که الله سبحانه و تعالی نیکوکاران را دوست دارد.

13 ربيع الثاني 1440 هـ.ق

20 دسمبر 2018 م